

## عنوان مقاله:

بررسی استعاره، اسطوره و نماد در رمان (رودوارهای) ژان کریستف

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، دوره 42، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

زهرا ناصحی - استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد

مریم دریا - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد

## خلاصه مقاله:

بین سالهای 1890 تا 1904، پس از جریانهای ادبی واقع گرایی و طبیعت گرایی، نویسندگان درصدد ایجاد نوع جدیدی از رمان بودند. سرانجام رومن رولان (1866-1944) در سال 1904، با خلق رمان ژان کریستف نوع جدیدی از رمان تحت عنوان رمان رودوارهای را وارد عرصه ادبیات فرانسه کرد. رمان رودوارهای به نوعی از رمان گفته میشود که بسیار طولانی و شامل چندین جلد باشد. رولان در نگارش این رمان بلند از حیث زیبایی شناسی بسیار متأثر از رمان بلند جنگ و صلح شاهکار لیون تولستوی، نویسنده روس، بوده است. از طرفی انتخاب اصطلاح رمان رودوارهای از جانب رولان بدون دلیل نبوده است. او در این رمان از تصویر رودخانه بهره فراوان برده و به زیبایی از آن در چندین مفهوم استعاری استفاده کرده و کاربرد این اصطلاح را توجیه کرده است. به علاوه در آخرین صحنه رمان، در هنگام مرگ ژان کریستف، از اسطوره سن کریستف (کریستف مقدس) و کهن الگوی گذر از آب نیز بهره برده است. بنابراین به این نوع رمان نمیتوان تنها از منظر نوع ادبی نگریست. مطالعه حاضر بر آن است تا از سه دیدگاه اثر رومن رولان را بررسی نماید: رمان رودوارهای به عنوان یک نوع ادبی، تصویر رود و معنای استعاری آن و نیز نقش اسطوره و نماد در رمان ژان کریستف.

## کلمات کلیدی:

رومن رولان، رمان رودواره ای، ژان کریستف، تولستوی، استعاره، اسطوره، نماد

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/722070>

